

مقایسه نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ با تاکید بر توافق هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران

امیرصدرا جوانشیری* - دکتر محمدعلی بصیری**

چکیده

لابی اسرائیل یکی از قدرتمندترین و فراگیرترین گروه‌های سیاسی در آمریکا می‌باشد که در ساختارهای سیاسی ایالات متحد نفوذ قابل توجهی دارد. کمیته روابط عمومی آمریکا-اسرائیل مشهور به آپیک، یکی از بزرگترین و قدرتمندترین گروه‌های لابی‌گری در آمریکا محسوب می‌شود. لابی طرفدار اسرائیل در آمریکا با روی کار آمدن جورج بوش تا به امروز با تحت فشار قرار دادن ایالات متحده آمریکا، سعی در مقابله با جمهوری اسلامی ایران دارد، در این راستا، این لابی به همراه دولت اسرائیل شروع به فضا سازی بر علیه جمهوری اسلامی ایران و بزرگنمایی خطر ایران نسبت به اسرائیل، منطقه و جهان کردند تا فضای روانی لازم را در آمریکا برای اقدامات بعدی ایجاد کنند. این لابی سیاست دولت اسرائیل برای بزرگنمایی خطر ایران و محدود سازی قدرت ایران نیز سیاست تحریم جمهوری اسلامی را در داخل ایالات متحده با شدت پیگیری کرد که ماحصل نهایی آن «تحریم‌های جامع ایالات متحده» علیه ایران شد. در این مقاله در پی پاسخ به این سوال می‌باشیم که تفاوت لابی اسرائیل در دو دولت باراک اوباما و دونالد ترامپ در مورد توافق هسته‌ای ایران چه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که لابی‌های اسرائیل در دولت باراک اوباما از نفوذ کمتری نسبت به دولت دونالد ترامپ برای تاثیر گذاری بر توافق هسته‌ای ایران برخوردار بودند. بنابراین در این مقاله به بررسی مقایسه لابی‌های اسرائیل در دولت باراک اوباما و دونالد ترامپ (با تاکید بر توافق هسته‌ای با ایران) می‌پردازیم که در این راستا از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای بهره می‌گیریم.

کلیدواژگان

لابی، صهیونیسم، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، توافق هسته‌ای.

* نویسنده مسئول، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان / amirsadrajavan@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان / ایمیل: basiri@ase.ui.ac.ir

مقدمه

لابی‌های اسرائیل بازوی قدرتمند این کشور در آمریکا برای تاثیرگذاری بر سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های آمریکا و تامین منافع این رژیم هستند و به نظر می‌رسد نقش و دایره نفوذ این لابی‌ها در دولت دونالد ترامپ نسبت به دولت باراک اوباما بیشتر شده است. یکی از نقاط تاثیرگذار این لابی‌ها در آمریکا مساله برجام بود. این لابی‌ها تلاش‌ها و هزینه‌های فراوانی کردند تا از توافق هسته‌ای دولت اوباما با ایران جلوگیری کنند اما ناکام ماندند و نتوانستند از قدرت لابی‌های خود در جهت مقابله با تصمیم کاخ سفید استفاده کنند. اما پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، این لابی‌ها فضای بیشتری در جهت سوق دادن دولت ترامپ برای خروج از این توافق بدست آوردند. ترامپ بعد از دو بار تایید برجام در دوره‌های ۹۰ روزه، در ۲۱ مهرماه ۱۳۹۶ آن را تایید نکرد و ادامه تصمیم‌گیری در خصوص آن را به کنگره آمریکا واگذار کرد. کنگره نیز پس از یک مهلت ۹۰ روزه آن را به ترامپ واگذار کرد و وی با اعلام اینکه آن را برای آخرین بار تایید می‌کند، در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ بطور یکجانبه از این توافق خارج شد و فشار تحریم‌ها بر جمهوری اسلامی ایران را مجدداً برگرداند. سوالی که مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به آن می‌باشد این است که تفاوت نفوذ لابی‌های اسرائیل در دولت باراک اوباما و دونالد ترامپ نسبت به توافق هسته‌ای با ایران چه بوده است؟ فرضیه‌ای که برای پاسخ به این سوال در نظر گرفته شده است این است که نفوذ لابی‌های اسرائیل در دولت باراک اوباما نسبت به دولت دونالد ترامپ کمتر بود. پژوهش مورد نظر برای راستی آزمایی فرضیه موردنظر خود، ضمن بهره‌گیری از مدارک و اسناد کتابخانه‌ای و اینترنتی و مقاله و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، در چند بخش مطالب مورد نظر را سازماندهی کرده است.

۱- پیشینه تحقیق

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و سید محمدعلی علوی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «روند امنیتی سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی اسرائیل در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ»، به فعالیت لابی طرفدار اسرائیل در ایالات متحده آمریکا می‌پردازد. این مقاله بر این اساس است که رژیم اسرائیل با بهره‌گیری از ظرفیت لابی‌گری خود در آمریکا اقدام به امنیتی سازی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نمود تا ایران را از رسیدن به پیشرفت در برنامه هسته‌ای بازدارد. تفاوت موجود مابین این پژوهش و مقاله ذکر شده در این است که در مقاله مذکور توجهی به مقایسه لابی‌گری رژیم اسرائیل در دو دولت باراک اوباما و دونالد ترامپ و تاثیرات آن بر موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران نشده است.

عبدالمطلب عبدالله و مصطفی اسماعیلی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «راهبرد سیاست خارجی

آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر؟ مطالعه موردی سیاست خارجی باراک اوباما و مسئله هسته‌ای ایران» به دنبال این پرسش است که سیاست خارجی اوباما نسبت به برنامه هسته‌ای ایران در دوره چهار ساله ریاست جمهوری او چگونه بوده است. در این مقاله که از تئوری جیمز روزنا استفاده شده است به این نتیجه می‌رسد که اوباما به رغم شعارهایی که مبنی بر تغییر داده بود، هیچگونه تغییری را در روند مقابله با انقلاب اسلامی ایجاد نکرده و به همان سیاست‌های روسای جمهوری گذشته در مورد موضوع هسته‌ای ایران ادامه داده است. تفاوت موجود مابین این پژوهش و مقاله ذکر شده در این است که در مقاله مذکور توجهی به مقایسه لابی‌گری رژیم اسرائیل در دو دولت باراک اوباما و دونالد ترامپ و تاثیرات آن بر موضوع هسته‌ای ج.ا.ایران نشده است.

سلمان رضوی، مهدی آشنا و عارف بیژن (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و بررسی مواضع لابی‌ها و اندیشکده‌های صهیونیستی آمریکا در قبال برجام با تاکید بر دوره ترامپ»، به نقش این لابی‌ها و اندیشکده‌ها در هدایت سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ در قبال برجام می‌پردازند. تحلیل مقاله آن است که اندیشکده‌های صهیونیستی در آمریکا غالباً خواهان حفظ برجام و اصلاح آن هستند اما در شیوه اصلاح آن نظرات متفاوتی دارند. اما لابی‌ها در مقایسه با اندیشکده‌ها از ادبیات تندتری برخوردارند و سعی می‌کنند این توافق را خطرناک جلوه دهند تا بر خروج ترامپ از برجام تاثیر بگذارند. برخلاف این پژوهش، مقاله مذکور هیچ توجهی به مقایسه لابی‌گری در دو دولت باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال موضوع هسته‌ای ایران نکرده است.

حبيب اله ابوالحسن شیرازی و محمرضا ابراهیمی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر عملکرد مواضع لابی صهیونیست در قبال برجام»، در پی پاسخ به این سوال است که موضع لابی صهیونیستی در مذاکرات هسته‌ای ایران چیست. فرضیه‌ای که در پاسخ به این سوال به آن پرداخته شد نیز عبارتند از اینکه لابی صهیونیستی در فرایند مذاکرات هسته‌ای سعی در جلوگیری از به توافق رسیدن جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های غربی داشت. اما برخلاف این پژوهش، مقاله مورد نظر اشاره‌ای به قیاس لابی رژیم اسرائیل در دو دولت باراک اوباما و دونالد ترامپ در قبال موضوع هسته‌ای ایران نکرده است.

۲- مبانی نظری

یکی از نظریه‌های رایج در اتخاذ سیاست خارجی، نظریه تصمیم‌گیری است که اولین بار توسط اسنایدر^۱ و همکارانش در سال ۱۹۵۴ مطرح شد. در همین چهارچوب هربرت سایمون،

^۱ Snejder

گراهام آلیسون^۱، استاین برونز^۲ و جورج مدلسکی^۳ به نظریه پردازی پرداختند. آلیسون دو مدل «روند سازمانی» و «سیاست دیوان سالاری» را در مورد سیاست گذاری خارجی مطرح می‌کند؛ از دیدگاه گراهام آلیسون مطابق مدل روند سازمانی حکومت یک کشور مجموعه‌ای یکپارچه نیست. بلکه حکومت هر می از سازمان‌های مختلف تصمیم‌گیری است و رفتار خارجی حکومت در پاسخ به نیاز منافع ملی ناگزیر از کانال این سازمان‌های مسئول به پاسخگویی می‌گذرد. در مدل سیاست دیوان سالاری، آلیسون علاوه بر جبریت‌های ناشی از ساخت سازمان اداری تصمیم‌گیری، بازی قدرت بین افراد تصمیم‌گیرنده را نیز در شکل‌گیری نهایی موثر می‌داند. در تشریح مدل سیاست دیوان سالاری آلیسون استدلال می‌کند که پیامدهای بازی سیاسی یا «برآیند مذاکره میان افراد» چنان است که هر کدام از انسان‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی خواهان دستیابی به هدفی خاص از منافع ملی هستند. از این رو، آلیسون نتیجه می‌گیرد که تصمیمات و اقدامات سیاست خارجی نتیجه فراگردهای سیاسی مذاکره و بازی قدرت موجود در سازمان‌های تصمیم‌گیرنده به حساب می‌آید (سیف زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۵).

با نگاهی کوتاه به سیاست خارجی آمریکا و نقش عوامل موثر در آن می‌توان پی برد که دولت (قوه مجریه) و کنگره (قوه مقننه) اصلی‌ترین عوامل دخیل در هر سیاست گذاری هستند که در هر دوی آنها لابی‌های صهیونیستی نقشی پر رنگ دارند. لابی‌های صهیونیستی بویژه لابی آپیک^۴ با نفوذ روزافزونی که در کنگره برای خود ایجاد کرده است نقشی حیاتی در جهت دهی به مصوبات کنگره در مورد برجام داشته است. آنان همچنین بر دولتی‌ها تأثیر خود را می‌گذارند. به بیان دیگر صهیونیست‌ها با شناخت دقیق سیاست دیوان سالارانه آمریکا و با بهره‌گیری از لابی‌ها به تامین منویات خویش مشغولند.

یکی از لوازم سیاست خارجی آمریکا و رمزگشایی از آن، بویژه در ارتباط با مسائل ج.ا. ایران، شناخت چگونگی کار لابی پرنفوذ صهیونیستی به مثابه یکی از عوامل اثرگذار بر سیاست خاورمیانه‌ای این کشور است که در این بخش به تعریف لابی و لابیگری و چگونگی آغاز کار این لابی‌ها در سیاست خارجی آمریکا می‌پردازیم.

در یک تعریف کلی، گروه‌های ذی نفوذ لابی به آن دسته از گروه‌هایی گفته می‌شود که برای تأثیر گذاری بر روند تصمیم‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی و تامین منافع خاص خود عمل

¹ Herbert Simon

² Githam Allison

³ Stein bronze

⁴ George Meldsky

⁵ AIPAC

می‌کنند. در این میان آنچه که یک گروه ذی نفوذ را از یک حزب مجزا می‌کند، بی‌علاقگی این گروه‌ها برای معرفی نامزد درانتخابات است. به عبارت دیگر در حالی که احزاب در تلاش هستند تا از طریق شیوه‌های مسالمت آمیز کسب قدرت کنند، گروه‌های فشار تنها به دنبال تأثیر گذاری بر دولتمردان و روند تصمیم‌گیری هستند.

لابی در فرهنگ نامه فارسی در اصطلاح سیاسی به معنای «گروهی از افراد که در زمینه خاص به فعالیت‌های تبلیغی و توجیهی اشتغال دارند، تعریف شده است» و در اصطلاح لابی‌گری اشاره به شیوه و روشی برای «اعمال نفوذ و فشار بر دستگاه قانون گذاری از راه تماس با اعضای مجلس سنا یا نمایندگان در آمریکا برای رد یا تصویب لوایح مورد نظر به منظور اجرا و پیشبرد مقاصد سیاسی و اقتصادی» دارد (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۹: ۳۲۹).

لابی پدیده‌ای مختص یهودیان نیست و گروه‌های فشار مختلفی از اجتماع‌های مختلف نژادی و اجتماعی برای تأمین خواسته‌های خود در قوه مجریه و کنگره ایالات متحده آمریکا لابی می‌کنند. در آمریکا پس از لابی اسرائیل، می‌توان از لابی‌های ارمنی، چینی، کوبایی و مکزیکی نام برد (Ambrosio, 2002:110).

در حقیقت، در ایالات متحده آمریکا لابی و لابیگری معنا و مفهوم مخفی، زیرزمینی و مضمومی ندارد به دلیل آن که در قانون اساسی آمریکا این حق به افراد و گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های مختلف داده شده است تا برای احقاق حقوق خویش در نزد نهادهای قانونگذار چانه زنی و مطالبه‌خواهی کنند و همین امر خود موجب آن شده است تا جریان‌ها و تشکل‌های پرنفوذ بتوانند روند تصمیم‌گیری سیاسی در آمریکا را تحت تأثیر قرار دهند.

۳- آغاز لابی اسرائیل در ایالات متحده آمریکا

فعالیت‌های سیاسی صهیونیست‌ها در راستای تشکیل یک دولت یهودی، مصادف بود با افول هژمونی بریتانیا بعد از جنگ جهانی اول و دوم و طلوع قدرتی دیگر بنام ایالات متحده آمریکا، بنابراین سردمداران صهیونیسم درصدد آن برآمدند تا برای تحقق بخشیدن به اهداف و آمال‌های خویش رشته ارتباط و پیوند خود را با این قدرت نوظهور قوی‌تر کنند (عبدی، ۱۳۸۴: ۲۷).

نخستین تماس رسمی میان جامعه یهودی و حکومت آمریکا به سال ۱۷۹۰ بر می‌گردد که جرج واشنگتن^۱ اولین رئیس جمهور دولت نوپا در پیامی به ضرورت تأمین آزادی‌های اجتماعی و سیاسی اقلیت یهود به ویژه در بعد تساوی حقوق با سایر شهروندان تصریح کرد. (Goldberg, 1996:83)

در میان شخصیت‌های مؤثر در پیشبرد اهداف اقلیت یهود و به ویژه حامیان صهیونیسم سیاسی

^۱ George Washington

در آمریکا، در دومین دهه قرن بیستم، ویلسون، رئیس‌جمهور وقت این کشور جایگاهی مهم و تأثیر بخش دارد. ویلسون که معتقد بود آیین یهود باید به عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار بر ساختار فرهنگی و سیاسی آمریکا تلقی شود، به زمینه‌سازی برای دستیابی یهودیان به مناصب بالای دولتی مبادرت کرد که نمونه آن شکل‌گیری یک گروه فشار قوی یهودی در کاخ سفید و عضویت لوئیس براندس^۲ (رهبر وقت سازمان صهیونیسم آمریکا) در دیوان عالی کشور است. از دوره رهبری ویلسون به عنوان نقطه عزیمت شکل‌گیری سازمان یافته لابی یهود در واشنگتن یاد کرده‌اند؛ چنان که سازمان‌های متعددی مانند کنگره یهودیان آمریکا و اتحادیه مبارزه با افتراء، در همین دوره شکل گرفته‌اند (کیوان حسینی، ۱۳۸۸: ۷۱).

اما شروع فعالیت و تحرکات لابی‌های حامیان رژیم صهیونیستی به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد. در سال ۱۹۵۳ کمیته امور عمومی آمریکا اسرائیل (آپیک) توسط "ال سی کتن"^۳ بوجود آمد و به تدریج سایر گروه‌های پیرامون این رژیم نیز فعالیت‌های خود را آغاز کردند. از میان حدوداً سیصد سازمان و نهاد یهودی در آمریکا، آپیک، یکی از مهمترین و برجسته‌ترین این سازمان‌هاست. فعالیت‌های آپیک در بدو امر، متمرکز بر کنگره و تصمیمات آن بود. اما با روی کار آمدن بوش پسر و حوادثی همچون ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بستری مناسب در اختیار آپیک برای تأثیرگذاری بیشتر بر تصمیمات کاخ سفید قرار داد (ثمودی، ۱۳۹۱). در ادامه لابی اسرائیل در دولت‌های باراک اوباما و دونالد ترامپ هم نفوذ و تأثیرگذاری خودش را بر بروکراسی و جامعه آمریکا حفظ کرد.

نفوذ لابی یهودیان در آمریکا را می‌توان از جمله آریل شارون (نخست‌وزیر پیشین اسرائیل) در برابر مقامات منتقد اسرائیل فهمید. که گفت: «هر زمانی که ما اقدامی را معمول می‌داریم. بسیاری از شما مرا مخاطب ساخته و می‌گویید که آمریکا چنین و چنان خواهد کرد. من می‌خواهم نکته روشنی را یادآور شوم که از فشار آمریکا بر اسرائیل هراسی نداشته باشید، زیرا ما یهودیان هستیم که کنترل آمریکا را بدست داریم و خود آمریکایی‌ها بخوبی این نکته را میدانند». (عبدالله خانی، ۱۳۸۲: ۲۱۶-۲۱۵).

درواقع نمود اصلی قدرت جامعه یهودیان را می‌توان در کنگره آمریکا مشاهده کرد. این قدرت به حدی است که به «آپیک» که مهمترین لابی یهودیان در کنگره است، لقب "پادشاه

^۱ Woodrow Wilson

^۲ Louis C Brandes

^۳ L.Si.Kenen

^۴ Ariel Sharon

کنگره آمریکا" را داده اند. این حضور همه جانبه در کنگره منجر به آن شده است که آپیک در آن بسیار تاثیرگذار و موفق عمل کند. لابی آپیک مدعی است که با برگزاری بیش از دوهزار ملاقات با اعضای کنگره آمریکا، سالانه بیش از صد قانون طرفدار اسرائیل و یهودیان را به تصویب کنگره می‌رساند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

در مجموع نهادهای لابی‌گر اسرائیل تقریباً در تمام دولت‌های ایالات متحده آمریکا نقش و تاثیر بسزایی داشته است. اگرچه می‌توان گفت در برخی ادوار بصورت مقطعی از تاثیر این لابی‌ها تاحدودی کاسته می‌شد اما این به معنای کاهش قدرت و نفوذ این نهادها بر جامعه آمریکا نبود.

۴- ابزارهای لابی‌گری اسرائیل در آمریکا

علاوه بر نهاد قدرتمند آپیک، عوامل دیگری در قدرت لابی‌گری و چانه زنی اسرائیلی‌ها در آمریکا بسیار تاثیرگذارند که به چند مورد از آنها اشاره میکنیم. مواردی همچون: مطبوعات و رسانه‌ها، کمک‌های مالی به کاندیدهای انتخاباتی و سفر این کاندیدها به اسرائیل، وجود جمعیت یهودی ثروتمند و پرنفوذ، اعمال نفوذ در مجامع علمی و پژوهشی و غیره.

۴-۱- مطبوعات و رسانه‌ها

افکار عمومی یکی از مهمترین ابزارهای یهودیان برای تاثیرگذاری بر روند تصمیمات مهم در آمریکا محسوب می‌شود. از آنجا که اکثر این رسانه‌ها در دست یهودیان است، این عامل ابزاری در خدمت کمک به افزایش نفوذ و تاثیر یهودیان در جامعه آمریکا شده است. بطوریکه طبق یک نظرسنجی که در ماه می سال ۲۰۰۹ انجام گرفته بود. اسرائیل بعد از بریتانیا و کانادا در راس کشورهای قرار داشت که مردم آمریکا آنها را بعنوان بهترین دوستان کشورشان میدانستند (عطایی و عالی، ۱۳۹۱: ۲۶۱).

رخنه یهودیان در رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و نفوذ در صنعت فیلم سازی هالیوود^۱ منجر به شناخت یهودیان بعنوان مردمانی بلندنظر، نوع دوست، قابل اعتماد و مهربان در بین مردم آمریکا شده است. براساس آمارهای موجود، بیش از ۲۵ درصد نویسندگان، دبیران، سرمقاله نویسان و صاحبان مطبوعات اصلی آمریکا از یهودیان هستند. سه روزنامه از چهار روزنامه مهم و اصلی آمریکا همچون، «نیویورک تایمز»، «وال استریت ژورنال»^۲ و «واشنگتن پست»^۳ تحت مالکیت و کنترل یهودیان طرفدار اسرائیل هستند. این روزنامه‌ها از معتبرترین و پر تیراژترین روزنامه‌های

^۱ Hollywood

^۲ NewYorkTimes

^۳ Wall Street Journal

^۴ Washington Post

آمریکایی محسوب می‌شوند. همچنین سه شبکه بزرگ تلویزیونی شامل، ABC، CBS و NBC، که تمام اخبار ملی و بین‌المللی را مخابره می‌کنند زیر نظر یهودیان قرار دارد. این سه شبکه اکثر برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی آمریکا را تحت پوشش قرار می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲۸).

۲-۴- کمک‌های مالی به کاندیدهای انتخاباتی

لابی‌های اسرائیل از شیوه‌ها و راه‌های مختلفی اعم از حمایت‌های مالی از نامزدهای انتخابات کنگره و ریاست جمهوری، فشارهای تبلیغاتی در رسانه‌ها صورت می‌گیرد که هدف آن سوق دان افکار عمومی و دستگاه‌ها و نهادهای سیاسی تصمیم‌گیرنده در آمریکا بسمت و سوی اسرائیل است تا بتواند هرچه بیشتر بر تامین منافع خود بیفزاید (آهوئی، ۱۳۹۰: ۱۰۲).

ارائه کمک‌های مالی به کاندیدهای انتخابات کنگره و ریاست جمهوری از مهمترین و پرنفوذترین ابزارهای لابیگری اسرائیل برای تاثیر و نفوذ بر انتخابات در ایالات متحده آمریکاست. البته این کمک‌ها بطور مستقیم در اختیار کاندیدها قرار نمی‌گیرد، بلکه آپیک، کاندیدها را به حامیان مالی بویژه کمیته‌های اقدام سیاسی طرفدار اسرائیل معرفی می‌کند. طبق برآورد روزنامه واشنگتن پست، لابی‌های حامی رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۶ کمکی معادل ۵۶/۸ میلیون دلار به کاندیدها و کمیته‌های حزبی طرفدار این رژیم کرده‌اند که ۳۵ درصد این مبلغ به حزب جمهوری خواه و ۶۵ درصد آن به دموکرات‌ها تعلق گرفته است. از دیگر اقدامات لابی‌های پیرو رژیم صهیونیستی، سفرهای مرتب اعضای کنگره و سیاستمداران با نفوذ آمریکایی به مناطق اشغالی است. تا با آشنا ساختن آنها به ژئوپلیتیک و مقتضیات امنیتی آن منطقه، بتوانند مواضع آمریکایی‌ها را بسمت و سوی خود بکشانند. از سوی دیگر اعضای کنگره و کاندیدهای ریاست جمهوری هم میل فراوانی برای سفر به این سرزمین‌ها دارند چرا که از این مجرا می‌توانند منابع مالی مورد نیاز برای شرکت و حضور همه جانبه در انتخابات را کسب کنند. تقریباً تمام نامزدهای ریاست جمهوری آمریکا باید برای افزایش شانس خود برای موفقیت در انتخابات، پیشاپیش تعهد و پایبندی خود را به گسترش همه جانبه روابط با دولت اسرائیل اعلام کنند (ثمودی، ۱۳۹۱).

۳-۴- جمعیت ثروتمند یهودی ساکن در آمریکا

از دیگر عوامل مهم و تاثیرگذار لابی یودیان در آمریکا، جمعیت شش میلیون نفری آنهاست. یهودیان ساکن در آمریکا جزو مرفه‌ترین قشر آن کشور محسوب میشوند. بنابر آمار «سازمان آمار ملی آمریکا»، میانگین درآمد یک خانواده یهودی در آمریکا ۱۷۲ درصد از میانگین درآمد هر خانواده آمریکایی بیشتر است. این نسبت ۴۰ درصد بیشتر از میانگین درآمد هر جمعیت مهاجر دیگری در آمریکا محسوب میشود. بنابراین قدرت اقتصادی یهودیان در آمریکا منجر به قدرت

¹ Washington Post

چانه زنی و مطالبه خواهی آنها در برابر تصمیمات اتخاذ شده می شود (موسسه الدراسات الفلستینیه، ۱۳۸۵: ۳۲۲).

از سوی دیگر یهودیان توانسته اند صاحبان بزرگترین و مهمترین مشاغل سیاسی از جمله، سناتوری، روسای کمپانی های اقتصادی، روسای مجامع فرهنگی و ریاست دانشگاه ها را در آمریکا کسب کنند. بنابراین با توجه به موقعیت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کسب شده توانستند گروه های فشاری را بوجود آورند تا بتوانند در آمریکا حامی منافع اسرائیل باشند (شیرودی، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

۴-۴- اعمال نفوذ در مجامع علمی و پژوهشی

طرفداران اسرائیل در جای جای نهادهای اعم از رسانه ها و دانشگاه ها نیز حضور فعالی دارند. اکثر تحلیلگران روزنامه های مشهور و شبکه های رادیویی و تلویزیونی معروف آمریکا از اسرائیل حمایت می کنند. بیش از ۲۰۰ واحد سازمان آپیک در دانشگاه های آمریکا شیوه گفتار و رفتار استادان و دانشجویان را در قبال اسرائیل رصد می کنند (آهویی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

۵- پیشینه روابط رژیم پهلوی با رژیم اسرائیل

برای فهم بهتر تاثیرات لابی های اسرائیل در سیاست خارجی آمریکا بر علیه بحران هسته ای ج.ا. ایران، به بسط مختصری در باب تاریخچه روابط رژیم صهیونیستی با رژیم پهلوی می پردازیم.

۱-۵- تاریخچه

روابط ایران و اسرائیل از مسائل حساس و مناقشه برانگیز سیاست خارجی جمهوری اسلامی از زمان حیات اسرائیل (۱۹۴۸) تاکنون بوده است. متفاوت بودن سنخ روابط و ایستارهای دو کشور در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی ایران از حساسیت موضوع نکاسته بلکه کماکان ادامه دارد. رژیم شاه در سال ۱۳۲۸ اسرائیل را به صورت دوفاکتو (defacto) مورد شناسایی قرار داد. اما در دوران دکتر محمد مصدق این شناسایی ملغی و پس گرفته شد. اما با سقوط دولت مصدق و تثبیت پایه های سلطنت محمدرضا شاه پهلوی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، پیوندی مجدد مابین ایران و اسرائیل در سال ۱۳۳۸ تحت عنوان «برن ۲» در سوئیس برقرار شد. که تا پایان کار سقوط شاه در سال ۱۳۵۷ ادامه داشت (میلانی، ۱۳۹۲: ۲۸۴).

۲-۵- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با رژیم اسرائیل

اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مولفه های واگرایی بجای عوامل همگرایی نشست و سفارت اسرائیل به سفارت فلسطین مبدل شد و جمهوری اسلامی ایران از متحد اصلی اسرائیل در منطقه به دشمن شماره یک این کشور تبدیل شد. در این دوران، مخالفت با اسرائیل از ارکان اصلی هویت جمهوری اسلامی ایران گردید و به محور ثابت سیاست خارجی کشورمان بدل شد و

مقامات اسرائیل با توجه به سیاست‌های آشکار جمهوری اسلامی ایران مبنی بر نابودی اسرائیل از کره خاکی خواستار مقابله جهانی با ایران شدند (Zohar, 2014:2). جمهوری اسلامی از همان ابتدا اعلام کرد که سیاستش مبنی بر عدم مشروعیت اسرائیل است و معتقد بود که این رژیم غده سرطانی است که باید از بین برود. بنابراین نوک پیکان تلاش ایران در عرصه‌های مختلف بسمت تضعیف موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی اسرائیل می‌باشد. اما بطور کلی مهمترین تحرکات ایران در چهار دهه اخیر بر علیه اسرائیل عبارت‌اند از: ۱- تشدید حملات لفظی علیه اسرائیل، ۲- تقویت حرکت‌های دولتی و غیردولتی در سطح جهانی بر علیه اسرائیل، ۳- باز کردن پرونده هولوکاست، ۴- کمک به کشورهای متخاصم با اسرائیل، ۵- تقویت بنیه دفاعی و تهاجمی کشور، ۶- جنگ نیابتی از طریق تقویت قدرت حزب الله لبنان، ۷- عقد پیمان دفاعی با سوریه و حمایت مستمر از این کشور، ۸- اختلال در روند صلح خاورمیانه، ۹- تقویت همه‌جانبه مخالفان فلسطینی، ۱۰- حمایت از مخالفان یهودی و غیر یهودی ضد صهیونیستی (شعرباف، ۱۳۹۱: ۶۰).

۶- تضادهای بین ایران و اسرائیل در منطقه

بطور کلی تضاد بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل در منطقه ناشی از دو عامل است. ۱- عامل ایدئولوژیکی، ۲- عامل ژئوپلیتیکی. که در ادامه به تشریح هر کدام از این عوامل می‌پردازیم.

۶-۱- عامل ایدئولوژیکی

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ارزش‌های اسلامی مورد تاکید زیادی قرار گرفت و در نتیجه ارزشهای ملی بطور نسبی اهیت خود را از دست دادند و گفتمان انقلاب اسلامی باعث تحول هویت ملی و ارائه هویت جدیدی بر پایه ارزشها و باورهای اسلامی برای ایرانیان شد (آقایی و رسولی، ۱۳۸۸: ۲۷). با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران مختصاتی شیعی بخود گرفت. ساختار متن (قدرت) تشیع در نظام بین الملل بر مفهوم عدالت متمرکز است. عدالتی که در اتمسفر موعودگرایانه تعریف میشود. اصل و اساس این اندیشه نشان از تمرکز بر عاملیت نیروهای ایدئولوژیک در تسخیر دنیای مدرن، بعنوان قسمت آخر داستان قدرت در روابط بین دولت‌ها دارد. بدین ترتیب، این عاملیت مبتنی بر شکلی گریزناپذیر وارد دو تقابل بنیادین می‌گردد. اول اینکه در برابر ساختارهای مشابه اما متفاوت در جهان اسلام (رهیافت حنبلی همچون در عربستان)، دوم اینکه در برابر متحدان فرا آتلانتیکی منجمله آمریکا، اروپا، اسرائیل و متحدان هژمونی ساختار نظام بین الملل قرار می‌گیرد (بهزادی، ۱۳۸۹: ۱۱۵۴-۱۱۴۵). انقلاب اسلامی ایران

¹ Holocaust

از آن روی که میانی رفتاری و فلسفی جدیدی را بنا نهاد که از اصول و انگاره‌های اسلام نشأت میگرفت در تقابل و تعارض ماهوی با ارزش‌های اسرائیل و ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. ارزشهایی همچون عدالت جویی، صدور انقلاب و قاعده نفی سیل که در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب منعکس شد با ارزش‌های اسرائیل در تضاد بود. گفتمان انقلاب اسلامی به لحاظ داشتن ویژگی‌های خاص غیر مادی در قالب یک انقلاب فرهنگی، اصول و ارزشهایی متفاوت از هنجارها و مرسومات رایج که در نظم لیبرال تعیین یافته، به نمایش گذارده است. نظم لیبرال به همراه نظامی اقتدارگرایانه و ایدئولوژیکی، هریک صورتی از نظم بین المللی و ستفالیایی مبتنی بر دولت-ملت و ناشی از توزیع قدرت بین المللی است که در طول زمان، نظم بین الملل را شکل و جهت داده است. این نظم که توسط قدرت مدعی هژمونی پیگیری می‌شود، مبتنی بر هنجارها و الگوهای لیبرال است. وجود تضاد و تقابل ارزش‌ها، معیارها و منافع نظم مذکور با آنچه در گفتمان انقلاب اسلامی تجلی و نمود یافته است، موجب به چالش طلیدن این نظم توسط انقلاب اسلامی ایران گردیده است (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱: ۷۲).

بسیاری از صاحب نظران، مهمترین دلیل به رسمیت نشناختن رژیم اسرائیل توسط جمهوری اسلامی ایران را به دلیل ایدئولوژیک می‌دانند. براساس این دلیل، چنین استدلال می‌شود که رژیم اسرائیل غاصب به سرزمین فلسطین است و از هیچگونه مشروعیتی برخوردار نیست. از این رو جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک حکومت دینی که خود را منادی و پاسدار اخلاق انسانی می‌داند. به قطع رابطه با رژیم اسرائیل اقدام نموده و خواستار نابودی آن است. در این زمینه امام خمینی (ره) طرح تشکیل دولت اسرائیل و شناسایی این رژیم را برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولت‌های اسلامی یک انتحار و مخالفت با آن را فریضه بزرگ اسلامی برشمردند و ضمن تاکید بر قطع رابطه با رژیم اسرائیل و اعلام حالت جنگ بین مسلمانان و این رژیم، هرگونه رابطه‌ی سیاسی، تجاری و نظامی را با این رژیم حرام اعلام کردند، چرا که از نظر ایشان، این رژیم نامشروع، غاصب و دشمن تمامی مسلمانان جهان است (حسینی مقدم، ۱۳۸۱: ۵۲). در همین راستا، تنها کشور منطقه که مسئله فلسطین در سیاست خارجی آن از اولویت و ارجحیت برخوردار است، جمهوری اسلامی ایران است. اخذ چنین سیاستی براساس بیانات امام خمینی مبنی بر مشروعیت زدایی از اسرائیل و وظیفه دانستن تلاش برای احقاق حق فلسطینیان در راستای ایدئولوژی اسلامی بوده است. «ما همیشه در حد امکانات و قدرتمان از برادران فلسطینی برای پایان دادن به تجاوز اسرائیل و آزاد کردن اراضی اسلامی از دست اسرائیل غاصب حمایت می‌کنیم و هرگز کمترین کمکی به اسرائیل نخواهیم کرد» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۱۵۲-۱۵۱). بنابراین مفروضه‌ها و آموزه‌های سیاسی ایدئولوژی اسلامی در زمینه رفتار و نظام سیاسی- اجتماعی، از منظومه فکری و سیاسی ایدئولوژی‌های سیاسی از جمله لیبرالیسم و سوسیالیسم متفاوت و متمایز بوده و با یکدیگر سازگاری ندارند. در نتیجه، بروز یک تعارض و تقابل فکری در قالب نوعی جنگ ایدئولوژیک

بین جمهوری اسلامی ایران و سایر بازیگران بین‌المللی همچون اسرائیل که بر ایدئولوژی متمایز استوارند، محتمل است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۵۱).

۶-۲- عامل ژئوپلیتیکی

دنباله روی از سیاست گسترش نفوذ با توجه به پارادایم حاکم بر روابط بین‌الملل بعنوان هدفی عمده در سیاست خارجی برای همه کشورها امری منطقی و توجیه پذیر جلوه می‌نماید. بدیهی است اگر این سیاست در جهت تامین منافع موازی با خواست‌های قدرت‌های نظم ساز و نظم مورد نظر آنها باشد، حصول و برآورده کردن آن، تسهیل و تضمین می‌گردد. اما چنانچه برای نظم مطلوب قدرت‌های فائده مسئله ساز باشد، چالش برانگیزترین موضوع و زمینه تقابل و رویارویی خواهد بود. از همین رو به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی یکی از اهداف سیاست خارجی را به صراحت گسترش اسلام و مقابله با نظام سلطه جهانی اعلام کرد: «ما این واقعیت را در سیاست خارجی و بین‌المللی مان بارها اعلام نموده ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم، حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری می‌گذارند، از آن باکی نداریم» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۶۹). لذا حتی در زمانی که در سال ۱۳۶۳ بر اثر تحولات، جنگ و محدودیت‌ها و موانع منطقه‌ای و بین‌المللی، شاهد تحول گفتمانی در سیاست خارجی، جمهوری اسلامی از گفتمان آرمانگرایی اسلامی به گفتمان مصلحت‌گرایی اسلامی هستیم، بعد فراملی انقلاب اسلامی کماکان برجسته است؛ زیرا در این گفتمان نیز مرزهای جغرافیایی ملی و نظام بین‌الملل مبتنی بر دولت - ملت، اصالت ذاتی ندارند. اما با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی موجود، بطور موقت باید تقسیم جهان به واحدهای ملی را پذیرفت. به عبارت دیگر، آرمان نهایی، تشکیل امت واحد و جامعه جهانی اسلامی و تاسیس حکومت جهانی اسلام است. حمایت از نهضت‌های رهایی بخش مسلمان نیز در همین راستا صورت می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۷).

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ وسعت، جمعیت، منابع و موقعیت ژئوپلیتیک خود از این ظرفیت برخوردار است که به قدرت (هژمون) منطقه‌ای تبدیل شود. وسعت ایران چنان ویژگی استراتژیکی به آن بخشیده که هرگونه حمله و تهاجم زمینی به آن را بسیار دشوار ساخته است. این کشور علاوه بر دارا بودن منابع غنی انرژی، از منابع انسانی مطلوب و ماهری نیز برخوردار است. همچنین، به لحاظ جغرافیایی، ایران در نزدیکی بزرگترین ذخیره منابع انرژی جهان و مشرف بر تنگه استراتژیک هرمز یعنی راه انتقال انرژی قرار دارد. علاوه بر این‌ها، تحولات چندساله اخیر در منطقه خاورمیانه همچون: فروپاشی رژیم‌های حاکم بر دو کشور همسایه ایران یعنی عراق و افغانستان و متمایل شدن دولت‌های این دو کشور به جمهوری اسلامی ایران، نفوذ ایران در مناطق دوردست خاورمیانه در لبنان و سرزمین‌های فلسطینی، حمایت از جبهه مقاومت اسلامی و

گروه‌های اسلامگرا (حماس، جهاد اسلامی، حزب الله لبنان، حشدالشعبی، انصارالله)، توافق هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱، بحران داعش و شکست آن در کشورهای عراق و سوریه، تشکیل هلال شیعی و گسترش اندیشه پان شیعیسم، افزایش همکاری‌های منطقه‌ای با روسیه خصوصاً در قبال بحران سوریه، جنگ داخلی در یمن و به قدرت رسیدن انصارالله در این کشور، ظرفیت ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای را بیش از پیش به فعلیت نزدیک کرده است (ایزدی، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۵).

از سوی دیگر، اسرائیل به سبب عدم موفقیت در برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، سعی کرد تا این کشور را در عرصه منطقه ای و بین المللی منزوی سازد بعد از انقلاب اسلامی، دکنترین محورهای پیرامون از محاصره ی اعراب به محاصره ایران تغییر کرد. در راستای این دکنترین، اسرائیل میکوشد جمهوری اسلامی ایران را از هر طرف به محاصره در آورد و ائتلافهای امنیتی علیه آن تشکیل دهد. در این راستا، اسرائیل اقدام به همکاریهای گسترده و ائتلاف با برخی از کشورهای منطقه و خارج از منطقه کرده که امنیت ملی ایران را تهدید می‌نماید که هدف این ائتلافها عبارتست از: مقابله با بنیادگرایی اسلامی، مقابله با نفوذ ایران در منطقه، ارائه الگوی سکولاریستی، بر هم زدن توازن راهبردی منطقه به زیان ایران، انجام عملیات هوایی علیه ایران، تشویق آمریکا به جنگ با ایران. رژیم اسرائیل سعی می‌کند جمهوری اسلامی ایران را به عنوان عامل تهدید کننده نظام‌های حکومتی دولت‌های منطقه نشان دهد. این رژیم خطر اصولگرایی اسلامی نشأت گرفته از ایران را در کشورهای آسیای مرکزی بزرگ جلوه میدهد و برای خود نقش اصلی در مقابله با خطر اسلام گراها را قائل است و دولت ایران را به عنوان کانون بنیاد گرایی اسلامی در منطقه و جهان معرفی می‌کند. به این ترتیب ایران به عنوان خطری علیه ثبات داخلی این کشورها معرفی میشود (جعفری ولدانی، ۱۳۸۲: ۸۴-۸۳).

از سوی دیگر اسرائیل در تلاش است تا با اتحاد با کشورهای عربی جبهه واحدی علیه ایران در منطقه بوجود آورد و نشان دهد که دشمن اصلی برای کشورهای منطقه ایران است نه اسرائیل در همین راستا، "گادی آیزنکوت" رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی در مصاحبه با سایت عربی سعودی ایلاف^۱ اعلام کرد که رژیم صهیونیستی به دلیل علایق و منافع مشترک بسیار زیادی که با عربستان سعودی دارد آماده تبادل اطلاعات با این کشور است. وی همچنین تاکید کرد که تل آویو و ریاض هیچ دلبستگی به هم ندارند، اما آنها در حال حاضر از قدرت گرفتن جمهوری اسلامی ایران که تصمیم گیرندگان در هر دو کشور آن را به عنوان دشمن اصلی خود می‌دانند، ترس دارند. بنابراین آنها یک دوست مشترک و یک رقیب مشترک دارند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶/۹/۳).

^۱ Gadi Eisenkot

^۲ Elif

بنابراین هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل به دنبال افزایش نفوذ خود و بالطبع مهار و کاهش نفوذ دیگری و گرفتن دست بالاتر و کسب هژمونی در منطقه خاورمیانه اند. از همین رو، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا از طریق نهادهای لابیگری خود در ایالات متحده آمریکا عرصه را بر ایران در منطقه تنگ‌تر کند تا از نفوذ جمهوری اسلامی بکاهد و با ضعیف شدن رقیب بتواند راه را برای هژمون شدن خود هموارتر نماید.

۷- لابی اسرائیل مانعی برای روابط ج.ا.ایران و آمریکا

واضح است که روابط آمریکا و اسرائیل بسیار درهم تنیده است. این روابط علاوه بر تعاملات نزدیک دولت از عمق استراتژیک نیز برخوردار است و نقش منطقه‌ای اسرائیل در استراتژی آمریکا نیز از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد. بی‌شک اگر علایق سیاست خارجی آمریکا را دسته بندی کنیم، حمایت و حفاظت از منافع اسرائیل در صدر این علایق قرار می‌گیرد بطوریکه کمتر مسئول و قانون‌گذار آمریکایی می‌تواند موضعی اتخاذ کند که برخلاف منافع تعریف شده از طرف دولت اسرائیل و گروه‌های فشار یهودی در آمریکا باشد. اما در این اثنا نفوذ لابی‌های اسرائیل بر سیاست خارجی آمریکا بویژه در قبال جمهوری اسلامی ایران با وضوح بیشتری قابل درک است به گونه‌ای که بیشتر صاحب نظران و کارشناسان مسائل خاورمیانه و روابط ایران و آمریکا (همچون، جفری کمپ، نیوسام، برنت اسکوکرافت،^۲ مارک گازیورفسکی،^۳ نوام چامسکی،^۴ جیمز بیل و...) به صراحت ابراز داشتند که در روابط ایران و ایالات متحده، تمامی راه‌ها به اسرائیل ختم می‌شود و این کشور عامل اصلی افزایش تنش، نفرت و انزجار فزاینده میان دو دولت ایران و آمریکا است. عدم ارائه یک تحلیل واقعی و نبود درک و شناخت صحیح از ایران از سوی مقامات آمریکایی ناشی از نفوذ لابی‌های اسرائیل است که مانع شکل‌گیری یک تحلیل واقعی از اوضاع ایران در کاخ سفید شده است. بعنوان مثال گراهام فولر^۵ از مقامات برجسته سازمان سیا که سال‌ها در منطقه خاورمیانه و از جمله ایران فعال بوده و همواره مدافع و حامی اسرائیل بوده است، در تشریح مشکلات موجود در روابط دو کشور می‌گوید: "هر تلاشی برای دستیابی به تحلیل واقع بینانه و متعادل از حکومت ایران بسیار مشکل است چرا که یک مرکز

¹ JeffrybCamp

² Noseam

³ Brent Scowcroft

⁴ Mik Gasirovsky

⁵ Noam Chomsky

⁶ James Bale

⁷ Graham Fuller

سخن‌گویی و تبلیغاتی داغ و پر هیجان لابی طرفدار اسرائیل علیه ایران در کنگره و سنا حضور دارند که هرگونه شفافیت در روابط دو کشور را مخدوش و تیره می‌کنند" (موسوی فر، ۱۳۹۵: ۵۱۲).

رژیم صهیونیستی، ایران را بزرگترین و جدی‌ترین تهدید علیه نظم منطقه‌ای مد نظر غرب و چالشی علیه هژمونی جهانی آمریکا می‌داند که در ماهیت اسلامی و انقلابی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مردم فلسطین و لبنان و گروه‌های مقاومت ضد اسرائیلی ریشه دارد، همچنین این رژیم همواره تلاش کرده است با تبلیغات و عملیات روانی گسترده در سطح رسانه‌ها ماهیت برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران را تهدیدی جلوه دهد و به نوعی در راستای اهداف خود به جامعه جهانی بقبولاند برنامه هسته‌ای ایران غیرصلح آمیز است و تهدید آن تنها محدود به اسرائیل نمی‌شود. در این راستا تلاش‌های جدی به منظور ترغیب آمریکا بویژه از طریق لابی صهیونیسم در این کشور برای حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران انجام داده و از حملات یکجانبه در صورت عدم همراهی آمریکا سخن گفته است (نیکو و سویلی، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

۸- چرا ایران؟

پاکستان امروز یک قدرت هسته‌ای است و بیش از ۱۰۰ کلاهک هسته‌ای دارد و هند همگام با چین، آمریکا و روسیه دارای توانمندی‌های سه گانه هسته‌ای در دریا، هوا و زمین است: جنگنده‌های قادر به حمل کلاهک هسته‌ای سوخو در هوا، زیردریایی آری هانت^۱ با قابلیت شلیک همزمان ۱۰۰ موشک هسته‌ای در دریا و زرادخانه این کشور با موشک‌های بین قاره‌ای بالستیک در زمین بخشی از توانمندی‌های این کشور است. سوال اینجاست که پس چرا کسی با پاکستان و هند کاری ندارد؟

امروزه تنها هشت کشور دارای تسلیحات هسته‌ای هستند اما بسیاری از کشورها از ظرفیت صلح آمیز هسته‌ای همین صنعت استفاده می‌کنند: فرانسه، بلژیک، جمهوری چک، فنلاند، مجارستان، سوئد، اسلواکی، سوئیس، اوکراین، کره جنوبی، ژاپن، بلغارستان، اسپانیا، رومانی... بیش از یک سوم برق و ۳۰ درصد از انرژی موردنیاز خود را از همین طریق تامین می‌کنند. پس چرا موضوع هسته‌ای صلح آمیز ایران برای آمریکا و غرب مساله شده و آنها چنین رفتاری را با سایر کشورها نمی‌کنند؟ یا چرا حضور ایران در منطقه حساسیت زا می‌شود ولی دخالت نظامی عربستان و ترکیه و مصر حساسیت زا نیست؟ یا چرا عدم رعایت حقوق بشر حکومت ایران با تحریم روبرو میشود ولی چنین اتفاقی برای بحرین نمی‌افتد؟

پاسخ ساده است: بیش از ۹۰ درصد کانون اختلافات ایران با آمریکا و غرب موضوع امنیت اسرائیل و لابی یهودیان در آمریکا است. در سیاست‌گذاری‌های ایالات متحده نسبت به جهان،

¹ Ai Hunt

خاورمیانه و ایران، جایگاه یهودیان آمریکا بسیار تاثیرگذار است و این قدرت هم از آنجا ناشی شده که سرمایه داران یهودی آمریکایی بیش از ۵۰ درصد کل ثروت کشور آمریکا را در اختیار دارند. موضوع هسته‌ای ایران برای غرب مهم است نه بخاطر اهمیت خود موضوع هسته‌ای، بلکه به دلیل امنیت اسرائیل. یهودیان آمریکایی معتقدند که آمریکا و ایران نمی‌توانند مسائل شان را در حوزه‌های هسته‌ای، اقتصادی و تاریخی حل کنند مگر آنکه ابتدا به مساله اسرائیل بپردازند. یهودیان بر این باورند که اجازه حل هیچ موضوع مدنظر آنها داده نمی‌شود مگر آنکه نخست موضوع مدنظر آنها حل شده باشد و این یک واقعیت است که ما باید در نظر بگیریم و تصور نکنیم که اگر در مسئله هسته‌ای با آمریکا توافق کنیم، یهودیان آمریکا و لابی‌های صهیونیستی دیدگاهشان را نسبت به ما تغییر می‌دهند و تحریم‌ها تخفیف پیدا می‌کند. (سریع القلم، ۱۳۹۸: ۱).

۹- لابی اسرائیل در دوران باراک اوباما بر علیه توافق هسته‌ای ایران

بحران در مسئله هسته‌ای ایران بزرگترین مشکل جمهوری اسلامی بعد از گروگانگیری با آمریکا بوده است. با وجود اینکه ایران همواره در سیاست‌های اعلامی و اعمالی خود بیان داشته است که سلاح هسته‌ای در دکتین دفاعی آن جایگاهی ندارد و از نظر ایدئولوژیک هم رهبر انقلاب اسلامی در فتوایی بر حرمت شرعی ساخت و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای تاکید کرده اند. غرب به رهبری آمریکا و رژیم صهیونیستی در راستای تکمیل پروژه «ایران هراسی» خود، با به راه انداختن جنگ روانی و تبلیغاتی در صدد نظامی جلوه دادن برنامه هسته‌ای ایران بودند بگونه‌ای که حتی کشورهای همسایه ایران نیز تحت تاثیر این تبلیغات قرار گرفته و از فعالیت هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کرده‌اند (عبداله و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

رژیم صهیونیستی بازدارندگی هسته‌ای را نیز ضامن موجودیت خود داشته و دستیابی احتمالی کشورهای مسلمان عربی یا غیر عربی منطقه به تسلیحات هسته‌ای را نیز تهدیدی مستقیم علیه موجودیت خود می‌داند و جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه خاورمیانه را در راهبرد امنیتی خود گنجانده است. این باور سران رژیم صهیونیستی به دهه ۱۹۶۰ یعنی زمان دستیابی اسرائیل به بمب هسته‌ای باز می‌گردد که ساخت آن را واکنشی به تجربه یهودیان در دوران موضوع هلوکاست می‌دانند که مطابق آن به هیچ دشمن منطقه‌ای نباید اجازه داده شود به برابری هسته‌ای با کشور تازه تاسیس یهودی دست یابد (نیکو و سویلی، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

اما از سال ۲۰۰۳ که فعالیت‌های هسته‌ای ایران رسانه‌ای شد غرب به رهبری آمریکا سیاست‌ها و استراتژی‌های متعددی را برای متوقف کردن فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای ایران انجام دادند از جمله تحریم‌های شدید اقتصادی و فشارهای سیاسی و منطقه‌ای. اما پس از روی کار آمدن باراک اوباما با شعار تغییر، او سیاست جدیدی را در قبال جمهوری اسلامی ایران به نمایش

گذاشت چرا که در ابتدای ریاست جمهوری خود با اقداماتی از جمله ارسال پیام تبریک به مناسبت عید نوروز ایرانیان و همچنین عذرخواهی از ملت ایران بخاطر دخالت‌های آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت مصدق که برای اولین بار از سوی یک مقام عالی رتبه آمریکا صورت می‌گرفت در تلاش برای کاهش تنش‌های موجود میان ایران و آمریکا برآمد تا زمینه مذاکره با ایران فراهم شود (عبداله و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

در واقع فضای سیاسی واشنگتن نسبت به جمهوری اسلامی ایران در سال نخست دولت اوپاما متاثر از دو دیدگاه متفاوت بود که طیفی از تقابل و مذاکره را در بر می‌گرفت. در یکسو، دیدگاه نومحافظه کاران بود که خواهان سیاست‌های تهاجمی و فشار بیشتر بر علیه ایران بودند، این دسته از سیاستمداران آمریکایی همچون، دیکچینی^۱ و جان بولتون^۲ که عمدتاً در دولت بوش حضور داشتند از طریق فراقکنی و امنیتی شدن مسئله ایران خواستار روند ادامه تخریب چهره ایران بودند. از سوی دیگر دیدگاه مقابل که متاثر از تیم جدید اوپاما بود سعی داشتند با بهره‌گیری از شعار تغییرات، تعدیل‌هایی در سیاست خارجی آمریکا ایجاد کنند و در چهارچوب تعامل و مذاکره حرکت کنند (متقی و رهنورد، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

در همین راستا، اوپاما در سال‌های اول ریاست جمهوری خود بر ضرورت باز کردن راه گفتگوی مستقیم و بلاشرط با ایران تاکید داشت و این را بعنوان راهی برای تامین منافع آمریکا ضروری عنوان کرد و در عین حال راهبرد دولت بوش مبنی بر تهدید ایران از یکسو و وابسته نمودن دیپلماسی آمریکا به واسطه‌هایی همچون اروپا، چین و روسیه، برای مهار ایران را ناکام می‌دانست. بنابراین برخلاف موضع نتانیاهو و لابی‌های فعال یهودی در آمریکا که تنها راه ممکن برای توقف برنامه هسته‌ای ایران را حمله نظامی به تاسیسات کشورمان می‌دیدند، اوپاما معتقد بود که در مقابل ایران بعنوان یک تهدید، هنوز همه راه‌های دیپلماتیک آزمایش نشده و می‌توان با مشوق‌های بیشتر آنراودار به تغییر رفتار کرد. به اعتقاد وی تهدید دیگر چاره ساز نیست و باید یک دیپلماسی قاطع راه گشای موضوع هسته‌ای بشود (woodward, 2008: 306).

اما در جریان مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ هرگاه نشانه‌ای از توافق میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده بوجود می‌آمد، شاهد اعتراض مقامات اسرائیلی بودیم. لابی‌های یهودی از جمله فعال‌ترین مخالفان توافق هسته‌ای غرب با ایران بودند و در آستانه توافق هسته‌ای، نتانیاهو، نخست وزیر کنونی اسرائیل، با انتقاد از مذاکره با ایران و اینکه غرب به هر قیمتی درصدد معامله هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران است تاکید کرد که با وجود این، ما متعهد به ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستیم (Haaretz, April, 2016: 10).

^۱ Diccini

^۲ John Bolton

تاثیرگذاری اسرائیل بر سیاست خارجی آمریکا به حدی بود که در مواردی باراک اوباما مذاکرات با ایران را از نتانیاهو مخفی می‌کرد تا جلوی کارشکنی اسرائیل را در مذاکرات بگیرد و مقامات اسرائیلی این مخفی کاری اوباما را به منزله خنجر زدن آمریکا به متحد دیرین خود یعنی اسرائیل تلقی می‌کردند. این در حالی بود که آمریکایی‌ها در هر مرحله از مذاکرات و برای نوشتن پیش نویس توافق درصدد جلب رضایت و متقاعد کردن اسرائیل بر می‌آمدند (Zuckerman, 2015: 18).

در طی مذاکرات هسته‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و ۱+۵، مراکز لابی‌های اسرائیل در آمریکا بخصوص کمیته روابط عمومی آمریکا اسرائیل (آپیک) تلاش می‌کرد تا جریان امنیتی سازی فعالیت هسته‌ای ایران را همچون گذشته دنبال کند و مانع از هرگونه پیشرفت در مذاکرات شود. اما این بار به نظر می‌رسید که با توجه به اختلاف میان قوه مقننه و قوه مجریه آمریکا در رابطه با توافق هسته‌ای با ایران یا افزایش تحریم‌ها، شرایط مستعدی برای پیاده کردن تصمیمات آپیک همچون گذشته فراهم نبود. بعلاوه اینکه اوباما رسماً به این نکته اشاره کرد که در خصوص برقراری توافق با جمهوری اسلامی مصمم است. ضمن آن که اعضای دولت باراک اوباما با تلاش خود در کنگره و شرکت در جلسات و نشست‌های مختلف تلاش می‌کردند تا در مقابله با اقدامات آپیک فعالیت کنند در نتیجه در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ متن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) برای تصمیم نهایی به کنگره واگذار شد و این به منزله شکست آپیک در جلوگیری از توافق هسته‌ای در دولت اوباما بود. بر همین اساس پایگاه اینترنتی دوبلاگ در مقاله‌ای به قلم «الی کلیفتون» نوشت: «بعد از آن که تلاش‌های سناتورهای جمهوری خواه آمریکا برای مقابله با توافق حاصل شده در ماه ژوئیه (تیر) برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران شکست خورد، کمیته روابط عمومی آمریکا اسرائیل (آپیک) مسئول شناخته شد، زیرا نتوانسته بود شمار قابل توجهی از سناتورهای دموکرات را برای همراهی با جمهوری خواهان و مخالفت با برجام مجاب کند. به بیان ساده، آپیک که به لحاظ تاریخی روابط قوی تری با حزب دموکرات آمریکا داشت، شکست سختی خورد بطوریکه فقط چهار سناتور دموکرات شامل رابرت مندز، بن کاردین، چاک شومر^۴ و جو مانچین^۵ با توافق هسته‌ای ایران مخالفت کردند (شیرازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

پس از توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۱+۵، بسیاری از لابی‌ها و سازمان‌های صهیونیستی در

¹ Elly Clifton

² Robert Menendez

³ Ben Cardin

⁴ Chuck Shamer

⁵ Joe Manchin

آمریکا در بیانیه‌هایی جداگانه این توافق را به شدت محکوم کردند و خواستار امتناع کنگره از امضای توافق شده اند. آپیک، فدراسیون یهودیان آمریکا، کمیته یهودیان آمریکا و سازمان صهیونیست آمریکا، مهمترین سازمان‌ها و لابی‌های صهیونیستی علیه توافق هسته‌ای ایران و آمریکا بودند. آپیک بعنوان یکی از مهمترین و قدرتمندترین لابی‌های صهیونیستی در آمریکا که از سوی حزب لیکود یعنی حزب راست گرای اسرائیل و از سوی دیگر با جمهوری خواهان آمریکا روابط بسیار نزدیکی دارد. در مورد توافق هسته‌ای ایران عنوان می‌کند: «توافق کنونی نمی‌تواند تلاش ایران برای دستیابی به توافق هسته‌ای را متوقف سازد، بلکه به جای بازدارندگی موجب تسهیل دستیابی به سلاح هسته‌ای و تقویت و تثبیت جایگاه تندروی این کشور خواهد شد. ایران بارها ثابت کرده که حامی تروریسم بوده و علیه نیروهای آمریکایی و اسرائیلی می‌جنگد. بنابراین ما طی مذاکراتی موارد حیاتی را در زمینه‌های بازرسی از ابعاد نظامی ایران، تحریم‌ها، بازه زمانی برچیده شدن تجهیزات هسته‌ای، را بعنوان خطوط قرمز خود تعیین کردیم که کنگره نیز آنها را تایید کرد. این در حالی است که در توافق نهایی هیچکدام از بندهای موردنظر ما رعایت نشده است» (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۱).

از سوی دیگر این نهاد پس از توافق هسته‌ای، برنامه‌ای را با عنوان «رد توافق هسته‌ای با ایران در کنگره» ارائه کرد. در این راستا، آپیک در صفحه اصلی سایت خود بسته‌ای از ۳۳ فایل شامل، تحلیل، یادآوری تاریخی، نقل و قول مقامات رسمی و کلیپ ویدئویی را بارگذاری کرد که هدف آن گوشزد کردن ناقص بودن این توافق در تمامی بخش‌ها بود» (دهقانی فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۵: ۵۳).

از دیگر اقدامات آپیک این بود که گروهی غیرانتفاعی موسوم به «شهروندان هوادار ایران غیر هسته‌ای» تشکیل داد که تنها رسالت این گروه مقابله با توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بود. در همین راستا، این گروه وابسته به آپیک از اواسط ماه ژوئیه تا اواسط ماه سپتامبر ۲۰۱۵، رقمی معادل ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار برای بخش تبلیغات از طریق شبکه‌های مختلف تلویزیونی (مانند، ای بی سی، ان بی سی، فاکس و سی بی اس) هزینه کرده است که این فاصله زمانی نیز دقیقاً با دوره دو ماهه لابی فشرده در کنگره آمریکا از زمان اعلام برجام در وین تا رد لایحه مخالفت با توافق ایران در سنای آمریکا هم زمان است (ابوالحسن شیرازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۱).

همچنین، کمیته یهودیان آمریکا که نیویورک تایمز آن را رهبر و پیشکسوت سازمان‌های یهودی آمریکا معرفی می‌کند و این کمیته در تقویت تحریم‌های چندسال اخیر ایران بسیار فعال بوده است، در بیانیه‌ای که به نقل از دیوید هریس^۱ رئیس این سازمان صهیونیستی منتشر کرده، ادعا می‌کند: «ما پس از مطالعه متن توافق تلاش کردیم با مقامات ارشد دولت اوباما در مورد

¹ David Harris

ابهامات موجود دیدار کنیم. دیدار با جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا و وندی شرمن معاون وزیر امور خارجه، همچنین نمایندگان جمهوری خواه و دموکرات، کارشناسان آمریکایی-اسرائیلی و تحلیل‌گران جهان عرب در راستای این هدف انجام شد. در نهایت ما به این نتیجه رسیدیم که باید با توافق به عمل آمده با ایران به شدت مخالفت کرد. ما از اعضای کنگره می‌خواهیم با توجه به اهمیت روابط استراتژیک آمریکا با متحدان دیرینه خود یعنی اسرائیل، مصر، اردن و اعضای شورای همکاری خلیج فارس که در حال حاضر باید بیش از هر زمان دیگری باشد و همچنین با توجه به منافع سیاسی و امنیتی آمریکا از امضای توافق خودداری کند» (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۰).

سازمان صهیونیست آمریکا که یکی از افراطی‌ترین سازمان‌ها در ایالات متحده است و در سال‌های اخیر روابط بسیار خصمانه‌ای با دولت اوپاما داشت و به دلایل مختلف اوپاما و وزرای دولتش را همچون چاک هیگل، وزیر سابق دفاع و جان کری، وزیر امور خارجه را مورد انتقادات شدید قرار داده بود، در بیانیه خود ضمن مخالفت با توافق هسته‌ای ایران، انتقاد باراک اوپاما از نخست وزیر اسرائیل را ریاکارانه خواند. در همین زمینه، مورتون کلین، رئیس این سازمان می‌نویسد: «رفتار اوپاما و اتهام وی علیه نتانیاهو اشتباه و ریاکارانه است. واکنش نتانیاهو به توافق ایران کاملاً محق و منطبق بر وظایف وی بوده است. توافق ایران امنیت اسرائیل و مردم آن را در معرض تهدید قرار داده است. باراک اوپاما سخنان نتانیاهو را دخالت می‌داند در حالی که لابی‌های اروپاییان در کنگره آمریکا با هدف حمایت از سیاست‌های اوپاما را مصداق دخالت نمیداند» (احمدی، ۱۳۹۴: ۴۲).

بنابراین علی‌رغم اینکه لابی‌های رژیم صهیونیستی در آمریکا هزینه‌های زیادی را صرف کردند تا از توافق هسته‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده جلوگیری کنند اما نتوانستند از توافق به عمل آمده جلوگیری کنند. در همین راستا نشریه نیشن با اشاره به تلاش‌های بی‌سابقه لابی‌های اسرائیل در مخالفت با برجام اینگونه می‌نویسد: «آپیک بودجه‌ای ۲۰ میلیون دلاری برای کمپین مخالفت با توافق هسته‌ای ایران خرج کرد. این کمپین از در اختیار گرفتن بیلبوردها، نشریات و برنامه‌های تلویزیونی برای تبلیغات تا برپایی تظاهرات در مقابل دفتر نمایندگان کنگره را شامل می‌شد» (شیرازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

در نهایت، فضای تنش آلود بویژه در دوره دوم ریاست جمهوری باراک اوپاما با بنیامین نتانیاهو

¹ John Kerry

² Wendy Sherman

³ Chuck Hagel

⁴ Milton Klein

بر سر توافق هسته‌ای ایران، شهرک سازی در کرانه باختری و به بن بست رساندن مذاکرات سازش فلسطینی-اسرائیلی در پی خلف وعده این رژیم برای آزادی زندانیان پیش از قرارداد اسلو و در انتها رای ممتنع ایالات متحده آمریکا بر تصویب قطعنامه ۲۲۳۴ (توقف شهرک سازی اسرائیل) شورای امنیت بر علیه رژیم صهیونیستی، که نتانیا هو از آن بعنوان «شیخون اوپاما» یاد کرد، تقابل کم نظیری را در روابط کاخ سفید و تل آویو بوجود آورد. سخنرانی نتانیا هو در مارس ۲۰۱۵ علیه سیاست‌های باراک اوپاما و قهر سیاسی وی پس از تصویب توافق هسته‌ای ایران در کنگره آمریکا، روابط طرفین را بیش از پیش تیره ساخت و به قطع دیدارهای آنان با یکدیگر منجر شد. اما پس از این دوره، نخست وزیر رژیم صهیونیستی به دلیل فشارهای داخلی و نیز برخی ملاحظات همچون ترمیم شکاف یهودیان جمهوری خواه و دموکرات در آمریکا، سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفت و در عین نبود روابط دوستانه با کاخ سفید، تلاش کرد از تعمیق تنش‌ها جلوگیری کند و منتظر پایان دولت باراک اوپاما باشد (احمدی، ۱۳۹۵: ۵۸).

۱۰- لابی اسرائیل در دوران دونالد ترامپ بر علیه توافق هسته‌ای ایران

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا برای اسرائیل ویژگی‌های تقریباً منحصر بفردی داشت. نخست آن که تل آویو در این انتخابات، یک دولت را برای جایگزینی دولت بعدی خود در کاخ سفید بدرقه نمی کرد بلکه با غضب برای خروج رئیس جمهور کنونی و تیم وی به امید محو شدن آنها در دایره سیاست آمریکا انتظار می کشید. با این وجود اسرائیل طی رقابت‌های انتخاباتی تلاش کرد هیچگونه موضع رسمی را در مورد نامزدها اتخاذ نکند. اما اعلام سرسپردگی‌های متعددی که دونالد ترامپ طی رقابت انتخاباتی خود به اسرائیل ابراز داشت و نیز وعده‌هایی همچون، انتقال پایتخت از تل آویو به بیت المقدس و نام بردن از توافق هسته‌ای بعنوان فاجعه‌ای که باید هرچه زودتر پاره شود، این باور را به ذهن نزدیک می کرد که گزینه ترامپ برای اسرائیل نسبت به کلینتون ارجح بوده و این رژیم به دنبال پیروی نامزد جمهوری خواهان در انتخابات است. اگرچه در حقیقت اسرائیل اعتماد و اطمینان بیشتری نسبت به عملکرد و آینده سیاسی کلینتون داشت. چرا که هیلاری سابقه طولانی تری در حمایت از یهودیان اسرائیل را در کارنامه خود ثبت کرده بود و قاطعیت وی در حمایت اسرائیل عملی‌تر و معقولانه‌تر بود. اما پس از انتخاب غافلگیر کننده ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، پیام‌های تبریک به وی از سوی صهیونیست‌ها اوج گرفت. نتانیا هو اندکی پس از خبر پیروزی ترامپ به وی تبریک گفت. سازمان‌های صهیونیستی تندرو همچون سازمان صهیونیست آمریکا از این رویداد استقبال کردند و سازمان‌هایی که در دوره کاندیداتوری ترامپ منتقد و مخالف بودند، همچون آپیک و کمیته یهودیان آمریکا آرزوی روابط دوستانه با رئیس جمهور منتخب آمریکا را به همراه تبریک خود به وی اعلام نمودند (احمدی، ۱۳۹۵: ۵۹).

با روی کار آمدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده، مخالفت و موضع خصمانه اسرائیل و نهادهای لابی‌گر آن در آمریکا نسبت به توافق هسته‌ای ایران، شدت بیشتری بخود گرفت و «سرانجام در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، رئیس‌جمهور آمریکا، خروج یکجانبه کشورش از برجام را بطور رسمی اعلام نمود» (Delkhosh, 2018: 34) در این دوره محورهای ثابت اظهارات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی علیه برجام، اصطلاحاتی همچون «توافق بد»، «ایران سربعتر به سمت هسته‌ای شدن، پیش برده می‌شود» و «امنیت اسرائیل، منطقه و جهان را تهدید می‌کند» بود. ترامپ خود نیز بارها در جریان مبارزات انتخاباتی خود، توافق جامع هسته‌ای قدرت‌های جهانی با ج.ا.ایران را «یکی از بی‌معنی‌ترین توافقات»، «فاجعه سیاست خارجی» و «اینکه آنان (ایرانیان) به حماقت توافقی که ما در مورد هسته‌ای منعقد نموده ایم می‌خندند» دانسته و اظهار نمود که مختل نمودن اجرای آن یا «مذاکره مجدد»، یکی از اولویت‌های وی پس از روی کار آمدن خواهد بود (یاری، ۱۳۹۷: ۲).

از ابتدای مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱، اسرائیل و نهادهای لابی این کشور همواره تلاش خود را برای شکست این مذاکرات بکار بردند و ناموفق شدند و پس از توافق نیز مواضع خصمانه خود را نسبت به توافق هسته‌ای با ایران را نشان دادند بطوریکه در همین زمینه، آویگدور لیبرمن، این توافق را با قرارداد مونیخ که با آلمان نازی منعقد شد مقایسه کرد و موشه یلعون نیز گفت این توافق براساس دروغ و فریب بنا شده است و آن را یک تراژدی برای همه کسانی که خواهان ثبات منطقه هستند و از ایران هسته‌ای ترس دارند، دانست. (Dassa kaye, 2017:2-3) اما در دوران ریاست جمهوری ترامپ نهادهای لابی‌گر اسرائیل در آمریکا همچون آپیک، کنگره یهودیان آمریکا، مرکز سایمون ویزنتال، کمیته یهودیان آمریکا، سازمان صهیونیستی آمریکا، تلاش مضاعف کردند تا با تاثیرگذاری بیشتر بر دولت ترامپ نسبت به دولت اوباما، ایالات متحده آمریکا را از توافق هسته‌ای خارج کنند که در نهایت موفق به این کار شدند. آپیک بعنوان قدرتمندترین نهاد لابی‌گر اسرائیل در ایالات متحده آمریکا، معتقد است پرونده هسته‌ای ایران تنها محدودیت‌های موقتی را بر تهران اعمال کرده است و هیچ تاثیر تعدیل‌کننده‌ای بر تجاوز منطقه‌ای ایران نداشته است. در سال‌های آتی برداشته شدن محدودیت‌های برنامه هسته‌ای ایران به آنها اجازه خواهد داد تا در آستانه تبدیل شدن به یک دولت هسته‌ای قرار گیرند (رضوی، آشنا و بیژن، ۱۳۹۶: ۱۵).

در این زمینه، «مارشال ویتمان»، سخنگوی آپیک به جروزالم پست گفت: «اهداف اصلی و

¹ Avigdor Liberman

² Moshe Yalton

³ Simon Wisenthal

⁴ Marshall Whitman

اولیه ما این بوده و هست که ایران توانمندی سلاح‌های اتمی را کسب نکنند و در برابر رفتار منطقه‌ای ایران بازدارندگی ایجاد شود» (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۶: ۱).

آپیک معتقد است سیاست آمریکا جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است. آمریکا و جامعه بین‌المللی تحریم‌هایی را به وجود آورده‌اند که به طور چشمگیری بر اقتصاد ایران تاثیر گذاشته است، با این حال، برنامه هسته‌ای ایران ادامه دارد، آمریکا می‌تواند با تشدید تحریم‌ها، ارائه یک گزینه نظامی و ایستادن در کنار متحد خود یعنی اسرائیل، این کار را انجام دهد (AIPAC, 2013:15).

کنگره یهودیان آمریکا، نهاد لابی‌گر دیگر اسرائیل در ۱۶ اکتبر ۲۰۱۷، بیانیه‌ای را در مورد توافق هسته‌ای ایران صادر کرد مبنی بر اینکه این کنگره از تصمیم ترامپ برای جلوگیری از معامله هسته‌ای ایران حمایت می‌کند. آنها معتقدند این توافق بدی است که مخالف منافع آمریکا، اسرائیل و شهروندان جهان است. کنگره یهودیان این نکته را بیان داشت که در زمان امضای قرارداد هسته‌ای، دولت باراک اوباما بر این باور بود که با این توافق، سیاست‌های منطقه‌ای ایران به سمت میانه روی حرکت خواهد کرد، اما واقعیت ساده این بود که این اتفاق نیفتاد و جمهوری اسلامی جسورتر و خطرناک‌تر شده است. این کنگره اشاره می‌کند که بایستی قبل از پایان تحریم‌های ۱۵ ساله که به ایران این امکان را می‌دهد تا دوباره برنامه هسته‌ای خود را دنبال کند، یک استراتژی جدید در قبال ایران برای حفظ امنیت منطقه و جهان ترسیم کنیم (American Jewish Committee, 2017:16).

از سوی دیگر، مرکز سایمون ویزنتال آدر نامه‌ای به ۵۳۵ عضو کنگره آمریکا خواستار این شدند که توافق هسته‌ای با ایران را باطل کنند و از هر توانی برای فشار وارد کردن به ایران کوتاهی نکنند. این مرکز بر این باور است که اگر ایران تنها به دنبال توسعه یک توانایی هسته‌ای برای مصارف غیرنظامی است، هیچ نیازی به سانتریفیوژ و آب سنگین ندارد. چرا که این دو تنها برای ساخت سلاح هسته‌ای استفاده می‌شوند. آنها اعلام کردند که ۱۹ کشور جهان از کانادا تا اندونزی هستند که از انرژی هسته‌ای برای مصارف غیرنظامی بدون غنی‌سازی، سانتریفیوژ و آب سنگین استفاده می‌کنند. مرکز سایمون اشاره می‌کند کشوری که به دنبال ضربه زدن به منافع آمریکا و حامی نابودی دولت یهودی است، دستیابی آن به سلاح هسته‌ای برای ایالات متحده و اسرائیل و جهان بسیار خطرناک است و بایستی هرچه زودتر جلوی آن گرفته شود (Marvin And Cooper, 2017:20).

نهاد لابی‌گر دیگر اسرائیل، کمیته یهودیان آمریکا مخالفت خود با توافق هسته‌ای را از سال ۲۰۱۵ اعلام داشت. از نظر این کمیته متن توافق هسته‌ای به خوبی اجرا نشده است به دلیل اینکه از زمان توافق تاکنون،

¹ Jerusalem Post

² Smon Wisenthal

توسعه موشک‌های بالستیک ایران با شدت بیشتری ادامه پیدا کرده است همچنین تحرکات و نفوذ ایران در منطقه از عراق و سوریه گرفته تا بحرین و غزه گسترش پیدا کرده است و نقض حقوق بشر در این کشور به هیچ وجه فروکش نخواهد کرد. بنابراین در این برهه زمانی کاملاً ضروری است که دولت و کنگره آمریکا، متحدان کلیدی ما در اروپا، خاورمیانه و آسیا، همکاری مشترکی در مورد مقابله با تهدید هسته‌ای ایران داشته باشند (American Jewish Committee, 2017: 17).

همچنین دیوید هریس، مدیر اجرایی این کمیته در قبال توافق هسته‌ای ایران، در بیانیه‌ای ابراز داشت با توجه به ماهیت رژیم ایران و ایدئولوژی تعیین کننده آن، کمیته یهودیان آمریکا نمی‌تواند چشم انداز این توافق را بپذیرد، زیرا این امکان وجود دارد که همسایگان ایران به دنبال ظرفیت دستیابی به سلاح هسته‌ای و سلاح‌های متعارف برآیند که تهدیدی برای جهان است. بنابراین کمیته یهودیان آمریکا مخالف معامله هسته‌ای ایران و آمریکا است و از اعضای کنگره می‌خواهند که جلوی این توافق را بگیرند (David Harris, 2015: 17).

سازمان صهیونیستی آمریکا یکی دیگر از لابی‌های قدرتمند و تاثیرگذار در بحث برجام بود. این سازمان معتقد بود یکی از مهمترین برنامه‌های ایالات متحده باید تحریم‌های بیشتر بر علیه ایران باشد تا از لحاظ اقتصادی فشار مضاعفی بر آن وارد شود. ابطال تحریم‌های ایران نگران کننده است و این قانون می‌تواند توافق هسته‌ای را به نفع جمهوری اسلامی به پایان برساند. در این میان، ضمن بازرسی از تاسیسات هسته‌ای و نظامی ایران، باید از توسعه موشک‌های بالستیک و رشد تاسیسات هسته‌ای این کشور برای بخش‌های صنعتی جلوگیری کرد. از سوی دیگر این سازمان به دولت ترامپ نسبت به ابطال توافق هسته‌ای و تحریم‌های مجدد غیرهسته‌ای بر علیه ایران اصرار داشت زیرا معتقد بود که جمهوری اسلامی در حال حاضر برخلاف این توافق عمل نموده است. این سازمان صهیونیستی به دولت ترامپ گوشزد می‌کند که نگهداشتن ایالات متحده در این معاهده، غیرمنطقی و بی‌فایده خواهد بود. همچنین، این سازمان اشاره می‌کند که آزمایش موشک‌های ایران در ماه ژانویه ۲۰۱۷ بدون تایید شورای امنیت، خلاف قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد است زیرا فعالیت‌های مربوط به موشک‌های بالستیک طراحی شده، ایران را برای تحویل سلاح‌های هسته‌ای قادر خواهد ساخت (The Zionist organization of America, 2017: 19).

اما در نهایت حرکت دیگر اسرائیل مبنی بر متقاعد کردن دولت ترامپ برای خروج از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) این بود که در ۳۰ آوریل ۲۰۱۸ بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی، طی یک کنفرانس خبری از مقر وزارت دفاع اسرائیل، مدعی شد که دستگاه جاسوسی موساد، مقادیر زیادی از اسناد آرشیو برنامه هسته‌ای ایران را از یک محله‌ای در تهران سرقت کرده است. نتانیاهو این اطلاعات را که حاوی ۵۵ هزار صفحه، ۵۵ هزار فایل در قالب ۱۸۳ حلقه دی وی دی بود را مهمترین دستاورد اطلاعاتی تاریخ اسرائیل معرفی کرد. بر همین اساس،

دونالد ترامپ اعلام کرد که سخترانی نتانیاهو نشان داد که انتقاد او (ترامپ) از توافق هسته‌ای موجه بوده است و با بی‌توجهی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که بارها پایبندی ایران را به برجام تأیید کرده بود در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ نیز رسماً کشورش را بطور یکجانبه از توافق هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی خارج کرد. او همزمان با خروج از برجام، فرمانی را امضا کرد که براساس آن تحریم‌های هسته‌ای ایران که به موجب برجام تعلیق شده بودند، طی یک دوره زمانی مجدداً اعمال شود. او همچنین تلاش کرد تا از طریق دستورات اجرایی و تحریم‌های جدید علیه اشخاص و شرکت‌های ایرانی و یا از طریق هدایت خزانه داری به اعمال تحریم‌های برون مرزی، شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی و آسیایی که با ایران تعاملات تجاری دارند را از دسترسی به سیستم مالی آمریکا منع کند و بدین ترتیب ایران را مجبور کند که دوباره برای حل موضوع هسته‌ای پای میز مذاکره با ایالات متحده آمریکا بنشیند. (سلیمان زاده، امیدی و عنایتی، ۱۳۹۵: ۱۱۷). به این ترتیب، «ترامپ محدود کردن دستاوردهای اقتصادی ایران از برجام را از اهداف خود قرار داد» (Mousavian and Mahmoudieh, 2018: 159).

جدول نهادهای لابی اسرائیل در دولت اوباما و ترامپ

تحركات در دولت ترامپ	تحركات در دولت اوباما	دولت ترامپ	دولت اوباما	نهادهای لابی
دامنه عملکرد: زیاد قدرت نفوذ: زیاد فعال	دامنه تحركات: زیاد قدرت نفوذ: کم نیمه فعال	تلاش مضاعف برای بیرون آمدن دولت دونالد ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران کارهایی از قبیل: ۱- تبلیغات رسانه‌ای در سطح وسیع برای ناقص نشان دادن توافق هسته‌ای با ایران ۲- تلاش برای تحریم‌های مجدد هسته‌ای و غیرهسته‌ای ج.ا. ایران	تلاش برای جلوگیری از توافق هسته‌ای با ایران کارهایی از قبیل: ۱- تشکیل گروهی غیرانتفاعی موسوم به شهروندان هوادار ایران غیرهسته‌ای ۲- بارگذاری ۳۳ فایل در سایت اصلی خود بر علیه توافق هسته‌ای ۳- اختصاص بودجه ۲۰ میلیون دلاری برای کمپین مخالفت با توافق هسته‌ای	آپیک
		مخالفت با توافق هسته‌ای با ایران از سال ۲۰۱۵ کارهایی از قبیل: ۱-	تلاش در راستای عدم توافق بین آمریکا و ایران کارهایی از قبیل:	کمیته یهودیان آمریکا

		مخالفت با توسعه برنامه موشک‌های بالستیک ایران ۲- مخالفت با نفوذ ایران در عراق و سوریه و یمن ۳- انتقادات شدید به اوضاع حقوق بشر در ایران	دیدارهای مرتب با تیم مذاکره کننده باراک اوباما و نمایندگان جمهوری خواه و دموکرات	
دامنه تحرکات: زیاد قدرت نفوذ: زیاد فعال	دامنه تحرکات: زیاد قدرت نفوذ: کم نیمه فعال	تلاش برای متقاعد کردن دولت دونالد ترامپ برای برهم زدن توافق هسته ای با ایران کارهایی از قبیل: تلاش برای برگشت تحریم های موشکی ایران تلاش برای متهم کردن ایران بعلت نقض قطعنامه ۲۲۳۱	یکی از افراطی ترین سازمان های صهیونیستی بر علیه توافق هسته ای ایران بود کارهایی از قبیل: بیانیه ها و انتقادات شدید بر علیه تیم مذاکره کننده هسته ای باراک اوباما	سازمان صهیونیست آمریکا
دامنه تحرکات: زیاد قدرت نفوذ: زیاد فعال	دامنه تحرکات: زیاد قدرت نفوذ: کم نیمه فعال	حمایت از خروج ترامپ از توافق هسته ای با ایران کارهایی از قبیل: ۱- تلاش برای تحریم های موشکی ایران ۲- تلاش برای جلوگیری از نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران	تلاش در جهت به چالش کشاندن مذاکرات هسته ای با ایران کارهایی از قبیل: ۱- انتقاد به تیم مذاکره کننده هسته ای باراک اوباما ۲- تلاش برای متقاعد کردن کنگره برای تحریم های هسته ای و غیرهسته ای ایران	کنگره یهودیان آمریکا
دامنه تحرکات: زیاد قدرت نفوذ: زیاد فعال	دامنه تحرکات: زیاد قدرت نفوذ: کم نیمه فعال	تحریریک کردن دولت ترامپ برای خروج از توافق: ۱- ارسال نامه به ۵۳۵ عضو کنگره آمریکا برای باطل کردن توافق ۲- تلاش برای برچیده شدن تجهیزات هسته‌ای	تلاش برای باطل کردن توافق هسته ای با ج.ا.ایران تلاش برای برگشتن تحریم های هسته ای و غیرهسته ای ایران	مرکز سایمون ویزنتال

نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل مواضع لابی‌های صهیونیستی که نقش قابل توجهی در نظام دیوان سالارانه آمریکا دارند می‌توان به دو نکته اصلی اشاره کرد. اول اینکه این مراکز نقش بی‌بدیلی در سیاست‌گذاری نظام آمریکا دارند و در حقیقت می‌توان مدعی شد که رگه‌های مهمی از تصمیمات دولت آمریکا را می‌توان در این مراکز مشاهده کرد. دوم اینکه با توجه به مواضعی که لابی‌های صهیونیستی در قبال برجام اتخاذ کرده اند، می‌توان گفت که اغلب آنها این توافق را برای امنیت اسرائیل، آمریکا و کل جهان خطرناک می‌دانند و معتقدند که روند این توافق، ایران را به جای اینکه متواضع‌تر کند، جسورتر و خطرناک‌تر کرده است.

در طی مذاکرات هسته‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و ۱+۵، مراکز لابی‌های اسرائیل در آمریکا بخصوص کمیته روابط عمومی آمریکا اسرائیل (آپیک) تلاش می‌کرد تا جریان امنیتی سازی فعالیت هسته‌ای ایران را همچون گذشته دنبال کند و مانع از هرگونه پیشرفت در مذاکرات شود. اما این بار به نظر می‌رسید که با توجه به اختلاف میان قوه مقننه و قوه مجریه آمریکا در رابطه با توافق هسته‌ای با ایران یا افزایش تحریم‌ها، شرایط مستعدی برای پیاده کردن تصمیمات آپیک همچون گذشته فراهم نبود. بعلاوه اینکه اوباما رسماً به این نکته اشاره کرد که در خصوص برقراری توافق با جمهوری اسلامی مصمم است. ضمن آن که اعضای دولت باراک اوباما با تلاش خود در کنگره و شرکت در جلسات و نشست‌های مختلف تلاش می‌کردند تا در مقابله با اقدامات آپیک فعالیت کنند. در نتیجه در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ متن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) برای تصمیم نهایی به کنگره واگذار شد و این به منزله شکست آپیک در جلوگیری از توافق هسته‌ای در دولت اوباما بود. پس از توافق هسته‌ای روابط بین اوباما و نتانیاهو رو به سردی گرایید بطوریکه در طی سخنرانی نتانیاهو در مارس ۲۰۱۵ علیه سیاست‌های باراک اوباما و قهر سیاسی وی پس از تصویب توافق هسته‌ای ایران در کنگره آمریکا، روابط طرفین بیش از پیش تیره و تار شد و به قطع دیدارهای آنان با یکدیگر انجامید.

اما با روی کار آمدن دونالد ترامپ به ریاست جمهوری ایالات متحده، مخالفت و موضع خصمانه اسرائیل و نهادهای لابی‌گر آن در آمریکا نسبت به توافق هسته‌ای ایران، شدت بیشتری بخود گرفت. بطوریکه محورهای ثابت اظهارات نخست وزیر رژیم صهیونیستی علیه برجام، اصطلاحاتی همچون «توافق بد»، «ایران سریعتر به سمت هسته‌ای شدن، پیش برده می‌شود» و «امنیت اسرائیل، منطقه و جهان را تهدید می‌کند» بود. ترامپ خود نیز بارها توافق با ایران را «بدترین توافق تاریخ آمریکا» عنوان کرده بود که باید هرچه زودتر از آن خارج شد. او همچنین معتقد بود، ایرانیان در حال برخوردار شدن از تسلیحات هسته‌ای هستند. آنها در حال چیره شدن بر بخش‌هایی از جهان هستند که باورکردنش غیرممکن است و این امر به یک هولوکاست هسته‌ای منجر خواهد شد.

در این دوره، نهادهای لابی‌گر اسرائیل در آمریکا همچون آپیک، کنگره یهودیان آمریکا،

مرکز سایمون ویزنتال، کمیته یهودیان آمریکا، سازمان صهیونیستی آمریکا، تلاش مضاعف کردند تا با تاثیرگذاری بیشتر بر دولت ترامپ نسبت به دولت اوباما، ایالات متحده آمریکا را از توافق هسته‌ای خارج کنند در نهایت در ۸ می ۲۰۱۸ دونالد ترامپ بطور یکجانبه از این توافق بین‌المللی خارج شد. بطور کلی در دوره باراک اوباما لابی‌های اسرائیل از نفوذ کمتری نسبت به دولت ترامپ در قضیه توافق هسته‌ای با ایران برخوردار بودند.

منابع

- آقا بخشی، علی و افشاری راد، مینو (۱۳۷۹)، **فرهنگ علوم سیاسی**، تهران: انتشارات چاپار.
- آقایی، سید داوود و الهام رسولی (۱۳۸۸)، «سازهانگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸.
- آهوئی، مهدی (۱۳۹۰)، «نقش لابی اسرائیل در سیاست خارجی ایالات متحده؛ از اسطوره تا واقعیت»، **فصلنامه مطالعات جهان**، شماره ۱.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب اله و محمدرضا ابراهیمی (۱۳۹۵)، «تحلیلی بر عملکرد و مواضع لابی صهیونیست در قبال برجام»، **فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی**، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز.
- احمدی، وحیده (۱۳۹۴)، «توافق هسته‌ای و همگرایی عربستان و اسرائیل»، **ماهنامه دیده‌بان امنیت ملی**، سال چهارم، شماره ۴، ص ۳۸-۳۱.
- احمدی، وحیده (۱۳۹۵)، «راهبرد اسرائیل در مورد برجام»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال نوزدهم، بهار ۱۳۹۵، شماره ۷۲.
- ایزی، پیروز (۱۳۸۲)، «جایگاه لابی یهود در سیاست خارجی آمریکا»، **کتاب آمریکا (۳)**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- بهزادی، ابوذر (۱۳۸۹)، «سیاست خارجی ایران در عصر پسا شوروی: مقاومت در برابر نظم جدید جهانی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، شماره ۴.
- ثمودی، علیرضا (۱۳۹۱)، «نقش و تاثیرگذاری لابی‌ها در نظام سیاسی ایالات متحده»، **جام جم آنلاین**: www.jamejamonline.ir
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۲)، **روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی**، تهران، انتشارات آوای نور.
- حسینی مقدم، محمد (۱۳۸۱)، «راهبرد اسرائیل در جنگ ایران و عراق»، **فصلنامه نگین ایران**، شماره ۳.
- **خبرگزاری تسنیم** (۱۳۹۶)، «اتحاد عربستان و اسرائیل علیه ایران در منطقه»، در:

<http://www.tasnimnews.com/fa/media/3/9/1396>

- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۱)، *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی* (ره)، جلد ۲۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی* (ره)، جلد ۱۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و رضا ذبیحی (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و عدم مطلوبیت نظم بین‌المللی موجود»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۹۰-۷۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴)، «گفتگوهای هسته‌ای ایران و اروپا»، *اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، سال نوزدهم، فروردین و اردیبهشت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، (۱).
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و سیدمحمدعلی علوی (۱۳۹۵)، «روند امنیتی‌سازی فعالیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط لابی اسرائیل در آمریکا از منظر مکتب کپنهاگ»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال پنجم، شماره ۱۷ (۴۷)، تابستان.
- *دیپلماسی ایرانی* (۱۳۹۶)، «نقش فعال آپیک در ترسیم راهبرد جامع ترامپ در قبال ایران»، در: <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1972358>
- رضوی، سلمان، مهدی آشنا و عارف بیژن (۱۳۹۶)، «تحلیل و بررسی مواضع لابی‌ها و اندیشکده‌های صهیونیستی آمریکا در قبال برجام»، *مطالعات فلسطین*، بهار و تابستان ۱۳۹۶، شماره ۳۲ و ۳۳.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۸)، «نود درصد دعوای آمریکا با ایران بر سر قضیه اسرائیل است»، در: www.america.blog.ir
- سلیمان‌زاده، سعید، علی امیدی و عنایت‌الله یزدانی (۱۳۹۵)، «تحلیل سازه‌انگاره ایران هراسی در سیاست خارجی آمریکا در دوران پس‌برجام»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، شماره ۲۴.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)، *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- شهرباف، جواد (۱۳۹۱)، «موازنه تهدید؛ جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه دیپلماسی دفاعی*، شماره ۴.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۵)، «نقش اروپا و آمریکا در حیات سیاسی اسرائیل»، *فصلنامه مریبان*، شماره ۲۰.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، *لابی یهودیان آمریکا کارگزار تحریم ایران*، تهران: مرکز

تحقیقات استراتژیک.

- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۲)، *کتاب آمریکا (۳) ویژه روابط آمریکا-اسرائیل*، تهران، موسسه ابرار معاصر، تهران.
- عبدالمطلب، عبدالله و مصطفی اسماعیلی (۱۳۹۲)، «راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران: تداوم یا تغییر؟ مطالعه موردی سیاست خارجی باراک اوباما و مسئله هسته‌ای ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۷، تابستان، صص ۱۲۳-۱۰۳.
- عبدی، زهرا (۱۳۸۴)، «نقش ایالات متحده آمریکا در فرآیند تشکیل کشور اسرائیل»، *دوفصلنامه تاریخ پژوهشی*، سال هفتم، بهار و تابستان، شماره ۲۲ و ۲۳.
- عطایی، فرهاد و زهرا عالی (۱۳۹۱)، «رابطه ویژه آمریکا و اسرائیل: پژوهشی درباره پیشینه، ماهیت و گستره این رابطه»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۱.
- کیوان حسینی، اصغر (۱۳۸۸)، *لابی یهود و سیاست خارجی آمریکا (با تاکید بر تصویرسازی لابی یهود علیه ایران)*، تهران: موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- متقی، ابراهیم و حمید رهنورد (۱۳۸۹)، «نشانه‌ها و فرآیندهای سیاست خارجی اوباما (۱۰-۲۰۰۹)»، *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*، سال دوم، شماره ۶، تابستان.
- موسسه الدراسات الفلستینیه (۱۳۸۵)، *ساختار دولت صهیونیستی اسرائیل*، ترجمه: علی جنتی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- موسوی‌فر، رضیه (۱۳۹۵)، «روابط ایران و آمریکا؛ مسئله اسرائیل»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۶، شماره ۲، تابستان.
- میلانی، عباس (۱۳۹۲)، *نگاهی به شاه*، کانادا/ تورنتو، نشر پرشین سیرکل.
- نیکو، حمید و مرتضی سولیمی (۱۳۹۶)، «جایگاه برنامه هسته‌ای ایران در دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال دهم، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۳۷-۱۷۱.
- یاری، احسان (۱۳۹۷)، «سیاست ایالات متحده آمریکا در قبال برجام و پیامدهای سیاسی-امنیتی آن»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، سال نهم، شماره سی و پنجم، تابستان.

English

- AIPAC (2013), "Iran's Nuclear Threat an American Strategy for Prevention," at: <http://www.aipac.org/media/Publications/Policypercentage20andpercentage20Politics/AIPACpercentage20Analyses/Issuepercentage20Menos/2013/03/Iran.pdf>.
- Ambrosio, T. (2002), *Ethnic Identity Groups and Foreign Policy*, London: Praeger.
- American Jewish Committee (October 16 ,2017), "AJC Backgrounder: Future of the

Iran Deal”, at: <https://www.Ajc.org/sites/Default/Files/pdf/2017-10/AJC%20Background%20-%20future%20F%20the/20Iran/%20DEAL.PDF>.

- Dassa Kaye, Dalia (2017), “Israels Iran Policies After the Nuclear Deal Rand Corporation”, at: <http://www.rand.org/Pubs/Oerspectives/Pe207.html>.

- Delkhosh, Alireza (2018), JCPOA: The Participants and International Law. *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 57, No. 57, pp 34-62.

- Harris, David (August /5/2015), AJC on the Iran Nuclear Deal”, at: <http://www.AJC-on-the-Iran-Nuclear-Deal>.

- Goldberg, J. J. (1996), *Jewish Power: Inside the American Jewish Establishment*, Massachusetts: Addison-Wesley.

- *Haaretz* (28/12/2014), “Dagan: Iran Will Become Independent in its Nuclear Program within Months”.

- *The American Jewish Committee* (Monday, October 16, 2017), “A j Congress Statement- Iran- Deal,” at: <https://Ajcongress.Org/Content/Ajcongress-Statement-IranDeal>.

- Mousavian, Seyed Hossein, Mahmoudieh, Younes (2018), The Nuclear Deal: A Crossroad or Deadlock in Relations with Iran. *International Studies Journal (ISJ)*, Vol. 14, No. 56, pp. 159-189.

- Woodward (2008), *Bob Bush at war*, Newyork: Simon and Schuster.

- ZOA (October 11,2017), “ZOA to Pres. Trump: Decertify Disastrous Iran Deal, Reimpose Non-Nuclear Sanctions”, at: <https://zoa.org/2017/10/10376867-zoa-to-pres-trump-decertify-disastrous-iran-deal-reimpose-non-nuclear-sanctions/>.

- Zohar, Sean (2014), *An Exploration of Critical Discourse: The Iranian Nuclear Debate*, New York: Masters Research paper.

- Zuckerman, Mortimer (2015), “Iran: the Last Lap, Available”, at: <http://www.usnews.com/news/the-report/articles/2015/06/19/5-key-issues-in-nuclear-negotiations-with-Iran>.

